

نهادی موقت بود که دائمی شد

متن کامل گفت و گوی خبرنگار اعتماد ملی با محمد توسلی
روایت محمد توسلی از تدوین پیش‌نویس اساسنامه سپاه پاسداران
۱۳۸۷/۴/۱۷

در چرایی شکل‌گیری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران باید به دوران پیروزی انقلاب بازگشت؛ دوره‌ای که سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) که چشم و مغز و مشت رژیم پهلوی بشمار می‌رفت از هم پاشیده بود، ارتش با فرار شاه به عنوان فرمانده کل و فرماندهان بلندپایه و خلع سلاح پادگان‌ها گرچه ساختارش را حفظ کرد اما منفعل شده بود، چنانکه در آستانه پیروزی انقلاب فرماندهان ارتش طی بیانیه‌ای اعلام بی‌طرفی کرده بودند؛ پلیس شهرهای مختلف و ژاندارمری با خلع سلاح از سوی مردم فرو پاشیده بود و در مجموع نیروی امنیتی و انتظامی برای کنترل امور وجود نداشت و نیروهای مردمی امنیت شهرها را در اختیار داشتند. در اوایل بهمن ۱۳۵۷ که ستاد استقبال از امام خمینی شکل گرفت، برای داوطلبان کارت‌های عضویتی صادر شد که این داوطلبان در خلال روزهای ۱۲ تا ۲۲ بهمن در ستادهای حفظ امنیت فعال شدند؛ این نیروها به تدریج در مساجد کمیته‌های محلی را ایجاد کردند که در نهایت کمیته مرکزی شکل گرفت که سرپرستی آن با مهدوی‌کنی بود. این کمیته‌ها انتظامات محلات را در شهرها بر عهده داشتند. در چنین حال و هوایی بود که شادروان مهندس مهدی بازرگان در ۱۵ بهمن مامور تشکیل دولت موقت شد؛ در حالیکه پس از ۲۲ بهمن برای اعمال حاکمیت عملاً ابزار امنیتی و انتظامی در اختیار نداشت و همین امر نگرانی رهبری و شورای انقلاب را موجب شده بود. من روز هفتم اسفند ۱۳۵۷ شهردار تهران شدم؛ شرایط به گونه‌ای بود که با تحریک نیروهای ضد انقلاب مرا طی ماه‌های اسفند و فروردین دوبار در اتاقم به گروگان گرفتند. در نخست‌وزیری، وزارتخانه‌ها و در استان‌های مختلف هم چنین شرایطی حاکم بود تا انقلاب را از درون با مشکل مواجه کنند.

اعلام تشکیل گارد ملی

فقدان نیروهای نظامی حافظ امنیت با واکنش رهبر فقید انقلاب مواجه شد که اعلام کردند برای جلوگیری از تشنجات و ایجاد نظم، «گارد ملی» تشکیل شود. تشکیل گارد ملی به دولت موقت و از سوی آن به دکتر ابراهیم یزدی معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب سپرده شد و او با توجه به همکاری که با یکدیگر داشتیم و بالاخص تز کارشناسی ارشد بنده در آمریکا در زمینه سازماندهی، تصدی امور مربوط به تدوین اساسنامه آن را به من سپرد. هم‌زمان امام حکمی به‌ایستاد لاهوتی دادند و وی نماینده رهبر انقلاب در پروژه تشکیل گارد ملی شد. من و لاهوتی در پادگان باغشاه (و بعدها پادگان لاهوتی) مستقر شدیم و از ۲۳ بهمن تا ۷ اسفند (که من به شهرداری تهران رفتم) پیش‌نویس برای اساسنامه گارد ملی تدوین کردیم که این پیش‌نویس به معاونت امور انقلاب (دکتر یزدی) سپرده شد.

در این پیش‌نویس شورای فرماندهی و واحدهایی در زیر مجموعه آن پیش‌بینی شده بود. شورای فرماندهی پنج عضو داشت، نماینده وزارت کشور که مسئولیت حفظ امنیت کشور را دارد (سرگردی از ژاندارمری)، نماینده دادستان کل کشور (آقای شهبهانی دادستان کل آقای فاتحی را معرفی کردند)، نماینده ستاد مشترک (سرهنگ دیزجی)، نماینده مقام رهبری

(آیت الله لاهوتی) و نماینده دولت (دکتر ابراهیم یزدی)، واحدهای زیر مجموعه شامل واحد آموزش و واحد اطلاعات و تحقیقات بود. این اساس نامه در شورای فرماندهی به تصویب رسید و ظاهراً در مرحله بعد پس از تأیید شورای انقلاب در دوم اردیبهشت ماه سال ۵۸ رهبر فقید انقلاب آنرا رسماً اعلام کردند. تهیه این پیش نویس برگرفته از تجربه ای بود که در سازماندهی نهادهای اجتماعی در ایران و سپس در خارج از کشور اندوخته بودم.

سپاه به جای گارد

یکی از گام‌های اولیه بحث انتخاب نام بود؛ چرا که نام گارد ملی در بعد اثرگذاری اجتماعی مناسب تشخیص داده نشد و می توانست تداعی کننده نام گارد شاهنشاهی باشد و در مجموع این نام نمی توانست اهداف راهبردی که این نهاد بر پایه آن شکل گرفته بود را نمایندگی کند. نامی که انتخاب شد «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» بود؛ قرار شد نام سپاه جایگزین گارد شود، چرا که «سپاه» پس زمینه ذهنی مثبتی در جامعه داشت و سپاه دانش و سپاه کشاورزی و... تداعی کننده نهادهایی با ماهیت خدمات مردمی در سطح شهرها و روستاها بودند. در انتخاب نام، این جمله دکتر شریعتی نیز نصب العین قرار گرفت که پیامبر در ابتدای دوران نبوت خود از قالب‌های بجا مانده از دوران جاهلیت استفاده و آنها را در راه اهداف متعالی بکار می گرفت. فکر کردیم اگر از واژه سپاه استفاده شود، پذیرش اجتماعی بیشتری خواهد داشت. حتی در دوره حضورم در شهرداری تهران در شورای نامگذاری پیشنهاد شد نام خیابان سلطنت آباد که در طول آن تاسیسات ارتش و سپاه وجود داشت به خیابان «پاسداران» تغییر یابد.

پنج «لا»

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مأمور پاسداری از ارزش‌های انقلاب شد؛ پاسداری از مطالبات تاریخی یکصد ساله مردم ایران که با به ثمر رسیدن انقلاب بایستی از آن محافظت می شد. در مجموع پنج ارزشی که جزء مطالبات انقلاب بود و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مأمور پاسداری از آن شد، عبارت بود از: نفی استبداد و اینکه مردم در پی جایگزینی آزادی به جای استبداد بودند؛ نفی استیلا بیگانه و حفظ استقلال کشور که بالاخص پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مردم را رنج می داد؛ نفی استثمار طبقاتی که همانا مطالبه عدالت بود؛ نفی حاکمان مستبد و اقتدارگرا که در رکن جمهوریت نظام و حاکمیت ملت متبلور شد و نفی ابتذال فرهنگی حاکم بر جامعه پیش از انقلاب که فرهنگ بیگانه آن را تزریق می کرد و باید ارزش‌های اسلامی و ملی جایگزین آن می شد. سپاه پاسداران نهادی تعریف شد که بایستی مدافع این پنج ارزش اصولی انقلاب باشد. همین ارزش‌ها در آرم سپاه هم تبلور یافت. «لا» موجود در آرم سپاه پنج نفی پیش گفته است برگرفته از «لا» منقوش در آرم حسینیه ارشاد و «نه» موجود در ادبیات دکتر شریعتی و همه بر گرفته از «لا لا اله الا الله».

خروج سپاه از کنترل دولت موقت

پس از تصویب پیش نویس اساسنامه در شورای فرماندهی و شروع کار واحدهای زیر مجموعه و انتخاب فرماندهان سپاه در چند مرکز استانی (آذربایجان، زنجان، رشت و...) و پس از برگزاری اولین گردهمایی فرماندهان و فعالان سپاه پاسداران در پادگان عباس آباد که من و لاهوتی نیز در آن شرکت داشتیم جمعی که با حضور چنین نهادی در دولت موقت موافق نبودند در پادگان جمشیدیه نهادی موازی تشکیل دادند و در همان فروردین ماه ۵۸ پس از انتقال آقای دکتر یزدی به وزارت

امور خارجه نهاد سپاه از دولت موقت جدا شد و زیر مجموعه شورای انقلاب قرار گرفت . دکتر چمران که در دولت موقت جایگزین دکتر یزدی یعنی معاونت امور انقلاب شده بودند اقدام به تشکیل نیروی ویژه کردند.

رهبر فقید انقلاب برای تأمین اقتدار دولت موقت این پروژه را به آن سپرد و پایه گذاری شد تا زمینه قدرت دولت موقت را فراهم کند؛ اما به فاصله اندکی برخی اعضای حزب جمهوری اسلامی که در شورای انقلاب بودند خواستار آن شدند که مدیریت سپاه از کنترل دولت موقت خارج شود بر این اساس مدیریت و فرماندهی سپاه از دولت موقت خارج شد. علاوه بر نهاد سپاه پاسداران که توسط دولت موقت پایه گذاری شد، نهادهای مشابهی نیز در آن دوره تاسیس گردید، همچون جهاد سازندگی که با ابتکار آقای حسین بنی اسدی شکل گرفت اما بعدها به ناطق نوری تحویل داده شد.

نهادی برای دوران انتقال

ما برای سپاه پاسداران عمر دیرپایی متصور نبودیم؛ به نظر ما سپاه پاسداران تا زمانی بایستی به فعالیت خود ادامه می داد که نهادهای دیگر نظامی تعریف شده و استقرار یابند. در نگاه نخست، سپاه نهادی برای دوره انتقال تعریف می شد که با شکل گیری و قوام نهادهای رسمی لازم، کارکردهای سپاه نیز به آنها واگذار می شود. اما در تدوین قانون اساسی با تعریف آن به عنوان نهادی نظامی، سپاه تبدیل به نهادی دائمی در کنار ارتش شد. سپاه نه فقط از کسوت نهادی موقت به دائمی درآمد که ساختاری یافت که تنها در قامت فرهنگی - نظامی نمی گنجد بلکه عملاً فعالیت های سیاسی، اقتصادی و عمرانی نیز جزء کارکردهای آن شده است.